

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی

دمیتری مینین-(Dmitriy Minin)

برگرداناز: ا. م. شیری

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۶

تاریخ کوردها تکرار می شود

آنکلساکسونها باز هم "خودبها" را می کنند

حوادث عجیب و در هم پیچیده مناقشه سوریه ناگهان به سمت کاملاً غیرمنطقی، اما در واقعیت امر، قابل انتظار برای کوردها که ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می دهند، چرخید. آنها که در مبارزه با "داعش" ممنوعه در سوریه متحمل هیچ شکستی نشدند و به نتایج ملموسی نیز دست یافتند، ناگهان مجبور گردیدند از منطقه گسترده آزاد شده به دست خود به ساحل شرقی فرات منتقل شوند.

پس از حمله ترکیه به خاک سوریه دیگر نه تنها صحبت از اعطای وضعیت واحد فدرالی جداگانه به کوردها در ترکیب ساختار جدید سوریه که آنها خواستار آن هستند، حتی سخن از اعطای استقلال که بسیاری از کوردها در خفا آرزوی می کنند، موضوعی ندارد.

دیگر قابل درک است که هدف اصلی آنکارا نه مبارزه با داعش، بلکه، خنثی کردن کوردهاست. تصمیم کوردها برای اعلام فدراسیون به طور یک جانبه در اوایل ماه اکتوبر دیر هنگام و دور از واقعیت به نظر می رسد. امیدواری به پیوستگی ارضی بین همه کانتون های کوردی در شمال کشور توهم از آب در آمد. این امر به آن اندازه ای که به امتناع قطعی متولیان دیروزی کوردها در واشینگتن بستگی دارد، به ترکها بستگی ندارد.

کوردها را بار دیگر مورد سوءاستفاده و قیحانه قرار دادند و آنها را بی هیچ دستاوردی رها ساختند. بد عهدی متحدان و اشتباه در انتخاب آنها - این واقعیت لعنتی تاریخ کورد است، که مبداء آن، شاید، زمان پیروزی صلاح الدین ایوبی، سردار اسطوره ای کورد بر صلیبیون باشد.

دیوید ایگناتیوس، مفسر برجسته واشینگتن پست در مقاله ای با عنوان خاص "سیاست امریکا در سوریه بر روی خط اشتباه خیانت استوار است"، متذکر می شود، که چگونه نظامیان امریکائی در همین اواخر به طور مدام تأکید می کردند، که کوردهای سوریه "قدرتمندترین نیروی مبارزه علیه داعش هستند". طی نبردهای سخت سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۵ آنها اراضی قابل توجهی، از جمله شهرهای بزرگ شدادی، منبیج را آزاد ساختند، محاصره راهبردی رقه، پایتخت داعش را در حومه دور تحقق بخشیدند. ایگناتیوس می نویسد که او هنگام دیدار از پایگاه آموزشی تحت مدیریت امریکا در شمال

سوریه شخصاً شاهد تمجید متخصصان امریکائی از شهامت و شجاعت شبه‌نظامیان کورد به مثابه نیروی اصلی حمله به رقه بوده است.

تا آن زمان ترک‌ها، اگر چه رابطه خصمانه با کوردها دارند، اما با این اتحادیه سازش می‌کردند. همه چیز پس از کودتای نظامی در ترکیه تغییر یافت. "اتحادیه نیابتی" تشکیل شده توسط امریکائی‌ها از گروه‌بندی‌های مختلف سوریه در خطوط مختلف جبهه جای گرفتند. جوزوف بایدن، معاون رئیس جمهور امریکا هنگام دیدار از انقره اقدام دولت ترکیه در این لحظه را مورد پشتیبانی قرار داد و از کوردها خواست از منبیج به شرق فرات بروند. که خود این، حاکی از واقعیت خط خیانت است. ایگناتیوس می‌نویسد: این، یک سنت ناپسند است: "کشورهای غربی در تمام طول قرن گذشته مبارزان کورد را تا زمانی که اهدافشان ایجاب می‌کرد، مورد سوءاستفاده قرار دادند و پس از انقضای تاریخ نیازشان، آنها را رها کردند." در سال ۱۹۱۸ هنگامی که متحدین آنتانت و عده وِدرو وِیلسون، رئیس جمهور امریکا در خصوص ایجاد "اجاق ملی" کورد را نادیده گرفتند. در سال ۱۹۴۷، انگلستان به ایران اجازه داد از تشکیل کردستان در حريم خود به شدت جلوگیری نماید. حوادث آن زمان را جیمز اولدریچ، نویسنده انگلیسی در دو رمان به لحاظ ایده‌های مشابه خود - "دیپلومات" و "کوه‌ها و سلاح‌ها" به شکل روشن هنری توصیف نموده است.

در سال ۱۹۷۵، قطع نظر از وعده پشتیبانی از کوردهای ایران، امریکائی‌ها همراه شاه ایران به صدام حسین اجازه دادند جنبش آنها را به شدت سرکوب نماید. اما تا چندی قبل از این، در سال ۱۹۷۳، مصطفی بارزانی، رئیس وقت کوردهای عراق، پدر مسعود بارزانی، رئیس کنونی کردستان عراق با اطمینان به صداقت امریکائی‌ها گفت: "امریکا یک قدرت بسیار بزرگتر از آن است که به خلق کوچکی مانند کورد خیانت بکند." به اعتقاد ایگناتیوس، او به شدت اشتباه کرد. انتظار می‌رود رهبر کنونی کوردها اشتباه پدرش را تکرار نکند. کافی است یادآوری شود که در رابطه با فریب کوردها در سال ۱۹۷۵، هنری کیسنجر به طور آشکار اظهار داشت: "در هم آمیختن عملیات مخفی با فعالیت‌های تبلیغی لازم نیست." آیا همه اقدامات کنونی دولت امریکا در خاورمیانه بر روی این توصیه به شدت سودمند بنا نشده است؟

مجله اشپیکل نیز می‌نویسد، که در نتیجه روند جدید حوادث در سوریه، کوردها در جای بزرگترین بازندگان قرار گرفتند. تا همین اواخر کوردها "عاقل‌ترین بازیگران" با بیشترین برد در بازی‌های سوریه به نظر می‌رسیدند، اما نشد. زیرا آنها به شدت خطر کردند. امریکائی‌ها به جای ایفای نقش واسطه بین طرفین متخاصم ترک و کورد، در وضعیت متحد مالیخولیائی دو طرف قرار گرفتند. آنها دیر یا زود مجبور به انتخاب اولویت خود بودند، و، به نظر می‌رسد آنها دیگر ترکیه قدرتمند و به لحاظ ژئوپلیتیک مهم را انتخاب نمودند.

رابطه کوردها با امریکا به طور فزاینده بدتر می‌شود. بله، به بیان صریح‌تر، هرگز رابطه‌ای هم وجود نداشته است. امریکا با سوءاستفاده از کوردها به مثابه مواد مصرفی و بدون این که واشینگتن رهبران کورد را در این امر متقاعد کرده باشد، هیچ گاه آنها را به عنوان شریک خود به حساب نیاورده است. این، باز هم یک درس دیگر نه فقط به کوردها، حتا به همه خاورمیانه است. وفاداری به تعهدات خود در منطقه، نه در مورد امریکائی‌ها، بلکه در مورد دیگران، مثلاً، روسها مصداق دارد.

تکنولوژی ظریف این که امریکائی‌ها چگونه متحدان کورد خود را رها کردند هم توجهات را به سوی خود جلب می‌کند. ابتدا سعی کردند میانه آنها را به طور کامل با فشار اسد به هم بزنند. حساب‌شان، از قرار معلوم، بر این بنا شده بود که کوردهای کاملاً تنها مانده، مجبور خواهند بود افتخارات خود را در دور دست پنهان نمایند، و، حتا با درک این که آنها را بی‌شرمانه فریب داده‌اند، به اطاعت از امریکائی‌ها ادامه دهند.

درگیری ماه اگست کوردها با ارتش دولتی سوریه در حسکه، مرکز استانی به همین نام، قبل از هجوم ترکیه به جرابلس، بدون اجازه و تحریکات مشاوران امریکائی نمی‌توانست روی بدهد. **طلال سیلو**، نماینده رسمی نیروهای دموکراتیک سوریه، که شبه‌نظامیان کورد اساس آن را تشکیل می‌دهند، اظهار داشت: "ما همپیمان امریکا و ائتلاف هستیم. آنها تصمیم می‌گیرند. ما، البته، آزادیم، اما بدون اطلاع امریکائی‌ها نمی‌توانیم به حمله دست بزنیم". او همچنین افزود، که امریکائی‌ها کوردهای پیرو خود را از "هر گونه تماس با روس‌ها در سوریه" منع کرده‌اند.

برای دمشق همزمان با زیر فشار قرار گرفتن در حسکه، بستن بزرگراه کاستلو از منطقه شیخ مقصود حلب در بخش غربی شهر توسط کوردها با هدف ممانعت از تأمین نیروهای دولتی که در نتیجه پیروزی ناگهانی جهادگرایان از جنوب قطع شده بود (البته اکنون مشکل رفع شده است)، به شدت دردناک بود. نیروی هوایی سوریه برای اولین بار در طول تمام سالهای جنگ کوردها را هدف بمباران قرار داد. تعجب‌آور نیست، که این اقدام برای اولین بار نیز مورد تأیید انقره قرار گرفت. در آنجا حتی از حفظ دولت بشار اسد در دوره گذار صحبت کردند و بلافاصله از لحظه مطلوب برای حمله‌ای که مقدمات آن از مدتها پیش آماده شده بود، استفاده کردند. به عبارت دقیق‌تر، پیروزی محلی کوردها در حسکه به عواقب راهبردی منفی برای آنها فرارونید. بسادگی آنها را زیر پا گذاشتند. باور به آن دشوار است، که امریکائی‌ها از تصمیم ترکیه آگاه نشده بودند. جوزف بایدن، معاون رئیس جمهور امریکا به هیچ وجه در انقره غافگیر به نظر نمی‌رسید، و اظهارات مشوقانه وی نیز هیچ شباهتی با بدیهه‌گویی نداشت.

در عین حال، چرخش جدید حوادث به فرجام مناقشه سوریه نزدیک نمی‌شود. فرمانده قطعات دفاع مردمی کورد پنتاگون را در جریان آن قرار داد، که "اگر ترکها صحنه را ترک نکنند"، شرکت کوردها در حمله برنامه‌ریزی شده برای آزادسازی رقه پشت علامت سؤال قرار خواهد گرفت. نیروی دیگری که قادر به پاکسازی "پایتخت تروریسم" در زمانهای نزدیک باشد، در کشور وجود ندارد.

توافق امریکائی-ترکی در اجلاس کشورهای گروه "بیست" در **هانگژوی** در باره حمله به رقه بدون شرکت کوردها بسختی امکان‌پذیر است. عدم مشارکت آنها در چنین عملیاتی می‌تواند هجوم عمیق نیروهای زمینی عمده امریکا و ترکیه به خاک سوریه را در پی داشته باشد. و این، می‌تواند نه تنها با تلفات سنگین، حتا شاید با اعتراضات جدی، هم در امریکا و ترکیه، و هم در کشورهای دیگر، از جمله در ایران و روسیه توأم باشد. دمشق نیز که نمایندگی خود را در سازمان ملل متحد حفظ نموده، مخالفت خواهد کرد. انقره می‌تواند اشتباهی را که کوردها با گام گذاشتن در "مسیر خطرناک خائنانه" پیشنهادی به آنها مرتکب شدند، تکرار نماید. فقط می‌توان اظهار امیدواری کرد که طرف ترکیه تسلیم تحریکات نشود و به همکاری بسختی آغاز شده با مسکو دو باره پایان ندهد.

با این حال، اگر کوردها در فاز پایانی جنگ بدرستی انتخاب نموده و از وابستگی‌ها و اتحادهای کدانی که از چیزی جز "تقدیم خون‌های" فراوان بشارت نمی‌دهند، دوری کنند، می‌توانند موقعیت خود را نجات دهند. معلوم می‌شود، که تنها متحد طبیعی و در واقع، یگانه آنها نه فقط در جنگ، حتا در شرایط دستیابی به خودمختاری در ساختار پس از جنگ در سوریه، رژیم سکولار بشار اسد در دمشق است. اما سایر نیروهای مخالف، نه امریکائی‌ها، نه به ویژه ترک‌ها در مورد هر گونه حقوق ملی کوردهای سوریه حتی فکر هم نمی‌کنند. همه شرکای امروزی آنها به کوردها به طور قطع به عنوان "اصحاب موقت" می‌نگرند. در حالی که اسد برای برقراری اتحاد دائمی با کوردها به طور عینی علاقه مند است، زیرا برای مقابله با بنیادگرایی سنی، همواره به تکیه بر اقلیت‌های ملی و دینی نیاز خواهد داشت. و خود این هم به معنای تحقق آرمان آنهاست که بدون آن، اتحاد واقعی نمی‌تواند صورت بگیرد.

<http://www.fondsk.ru/news/2016/09/10/istoria-kurdov-povtorjaetsja-anglosaksy-vnov-brosajut-svoih-42436.html>

۷ مهـر - میزان ۱۳۹۵